

دوره هفتم تقنینیه

<p>جله ۲۵</p>	<h1>بزرگراه مجلس</h1>	<p>شماره ۲۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جله سه شنبه ۱۶ پهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۴ شعبان المظم ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلمه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مجلس</p>	<p>داخله در این شماره خارجی در هر شماره شماره</p>



صفحه	از صفحه	عنوان
۲۸۴	۲۸۳	اصوب سه ماه مرخصی آقای اعتبار
۲۸۹	۲۸۱	شور اول خبر کسب و فروش قوانین مالی و راجع به معافیت های گمرکی
	۲۸۸	مهری آقای فرزند کمالی وزارت امور خارجه
		شور و اصوب خبر کسب و فروش قوانین مالی و راجع به واگذاری فراولعابه ها و غیره به
۲۹۲	۲۸۹	مجلسه ها
۲۹۶	۲۹۲	شور مالی اصلاحیه ذابج
	۲۹۶	قانون واگذاری فراولعابه ها و اراضی مالیه و دائره مورد استفاده بیلبره های محل

مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۴ شعبان المظم ۱۳۴۷

جلسه ۲۵

(مجلس یکساعت قبل از ظهر ریاست غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: روحی - حیدری مکری - میرزا حسین خان
 و نوقی - آشتیانی - مفتی - محمد علی میرزا دولت شاهي
 فرخی - محمد ولی میرزا - حاج میرزا حبیب الله امین
 آقای دادگر تشکیل کردند)
 (شور و اصوب مجلس پنجشنبه ۱۷ بهمن را
 آقای اورنگ قرائت نمودند)

دستانی - ضیاء - حکمت - جلالی - تیمورثانی -
 غالبین بی اجازه جلسه قبل
 آقایان: اکبر میرزا مسعود - آقا زاده سبزواری -
 حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - محمد تقی خان اسعدی که محتاج به تشریف بردن به اروپا باشند انشاء الله امید
 شیخ محمد جواد - حاج حسین آقا مهدوی - حاج غلامحسین ملک - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک در همین جا معالجه کنند.

تا اینکه تشریف ببرند به اروپا و اگر هم خدای نخواست
 کسانی داشته باشند در اینجا طبایبی هستند که بتوانند
 معالجه ایشان را بکنند و مرض ایشان هم مرضی نیست
 که محتاج به تشریف بردن به اروپا باشند انشاء الله امید
 ایشان صرف نظر از این مسافرت بکنند و اگر هم
 مرضی باشد در همین جا معالجه کنند.

رئیس آقای اورنگ

اورنگ: بنده غالباً می بینم در این مجلس آقایان
 عادت کرده اند که در هر روز آقایی را برای معالجه
 در آن موضوع بنده تصور کنم خواهم
 یک نفری عرض کرده باشم البته خودشان تصدیق
 میفرمایند که زندگی در هر ادارتی که در تشریفاتی
 اداره می شود مقدس بودای ملی است که اداره نیست ولی
 هر کس که انسان زندگی کند و در مقابل آن زندگی یک
 وظیفه در یافت بکند یک مقرراتی هست که آن مقررات
 رفتار می شود امتیلا روز همه را آقایان شرفیاب میشوند
 بنا بر این مقدمه که آقای فیروز آبادی در دست
 گرفته اند و اصل قرار داده اند بابت آقایان نمایندگان
 روز جمعه حقوق بگیرند بعد از ظهر پنجشنبه اشخاصی
 که در ادارات میروند چون تعطیل دارند بنا بر این
 مقدمه و فلسفه نباید حقوق بگیرند در اعیاد اعم از
 ملی و دولتی بنا بر این مقدمه که آقای فیروز آبادی در
 دست گرفته اند نباید حقوق بگیرند ناخوشی قهری است
 و هیچکس اراده ندارد که ناخوش بشود و ناخوشی
 چیزی است که هرکس از آن متنفر است ولی قهراً پیش
 می آید و ایشان را مشغول میکند بخودش و نمیکندارد
 انسان مشغول به شغل اداریش بشود بنا بر این فلسفه نباید
 در آن مدت ناخوشی که غلط کرده تب کرده باید چشمش
 چهار ماه بشود و حقوق نگیرد این ترتیب نیست قربان
 و بعلاوه شما در تمام نظاماتمان در تمام ادارات
 سالی یکبار مرخصی قرار داده اید که از آن يك ماه مرخصی
 با حقوق استفاده کنند نمایندگان هم البته تصدیق میفرمایند
 هیچیکشان میل ندارد ناخوش شوند اولاً - ثانیاً آمدند

در این مجلس با اجازه بنده قبل
 امیر حسین - آقایان
 آقای مهدوی -
 در آمدگان بی اجازه نیست
 آقایان: قزاق - لور - هندی - تشریف زاده - ناصری
 در صورت مجلس عملی نیست
 (گفتند: خبر)
 در صورت مجلس خبری است و این کتبسیون
 مرخصی و مرخصی را چه به مرخصی آقای اعتبار مطرح
 است
 (بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای میرزا احمد خای اعتبار بواسطه
 کسالت و لزوم معالجه مسافرت خود را بخارج ضروری
 دانسته و تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده
 کمیسیون تقاضای معزنی الیه را تصویب و اینک خبر آن
 تقدیم میگردد.

- رئیس - آقای احتشام زاده
- احتشام زاده موافقم .
- رئیس - آقای ملک
- ملک مدنی - موافقم .
- رئیس - آقای فیروز آبادی
- فیروز آبادی - عرض کنم يك اعتبار در این مجلس
- داریم ایشان هم میخواهند تشریف ببرند خوب است این
- آقای اعتبار در این مجلس تشریف داشته باشند و خدمت
- کنند و گمان میکنم وجودشان در مجلس لازم تر باشد

برنج خوش بشوند مادامیکه طبیب مجانی از رفقا دارند
 نظر ندارند به طبیبی مراجعه کنند که ویزیت بدهند
 اینهمه طبیبی است مسئله سوم: اگر از اطباء داخله
 بطلبند تا معالجه آنها را عهده دار شوند هیچوقت میل
 ندارند که در تمام ماه چهار ماه بروند در غربت بخوابند و
 در آنجا معالجه کنند بنا بر این مقدمه تمام این جریمات
 به آقایان خبروز آید باید در نظر گرفته باشند و با تمام
 اشخاصی که مرخصی میخواهند مخالفت نکنند و این
 پیشنهاد را در نظر بگیرید.

رئیس: رای گرفته میشود به مرخصی آقای اعتبار
 با اوقین قیام فرمایید.
 (اغلیب قیام نمودند)
 بانه رئیس - تصویب شد خرید کمیسیون قوانین مالیه
 را چه به معافیت های گمرکی مطرح است - شور اول
 (بشرح ذیل خوانده شد)

لغته کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۴۴۶۲۵ دولت را
 بحث شود قرار داده و پس از تبادل نظر و مذاکرات در
 نظر آقایان ماده پیشنهادی دولت را بشرح ذیل تنظیم
 و تصویب آنرا تقدیم میدارد
 ماده واحد - مجلس شورای ملی به دولت اجازه
 میدهد که اشیاء ذیل را از پرداخت حقوق گمرکی
 معاف نماید.

- ۱ - اشیاء متعلق به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
 و ذریع بار سلطنتی و والا حضرت اقدس ولایت عهد و هم
 چنین اشیاء و بنه متعلق بسلاطین و رؤسای ممالک خارجه
 و ملتزمین رکاب آنها در موقع ورود و خروج آنها از ایران
- ۲ - نسبت بسفراء کبار و وزراء مختار و شارژ دافر
 ها و مستشاران و نواب و آناشه های کشوری و نظامی
 در مسافرت آنها را چه به اشیائی که برای خود وارد یا
 صادر می نمایند همان مقررات مراعات میشود که در ممالک
 آنها نسبت به اشیائی که برای مأمورین سیاسی ایران
 صادر یا صادر میشود مرعی گردد ثانیاً و سایر اشیاء مخصوص
 اشخاصی جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولهای

دارای کاربر که در مدت نه ماه اول اقامتشان وارد شود
 با رعایت معامله متقابله .

۳ - اشیاء و آذوقه مخصوص استعمال شخصی مسافرن
 بحد متعارف

۴ - آلات و ابزار مستعمل کار و حرفه که مسافرن
 برای حرفه خود وارد میکنند (باستثنای بیابان و هار و بایوم
 و دو چرخه و وسائل نقلیه از هر قبیل و نور افکن و سیما
 توگراف)

۵ - حیواناتیکه برای تعلیف بخارجه فرستاده میشود

۶ - اتمه مصنوعه ایرانی که بعلت مجوعیت پاندم
 فروش و غیره به ایران عودت داده میشود

۷ - اتمه مصنوعه ایرانی یا خارجی که برای تعمیر
 یا تکمیل بخارجه حمل ربه ایران عودت داده میشود
 هرگاه این اتمه در موقع ورود اضافه قیمت با افزایش
 وزن حاصل کرده باشند بهمان نسبت حقوق به آنها تعلق
 خواهد گرفت .

۸ - چارباغان و دستکها و عرابی های متبوعه که
 مسافرن عازم بخارجه را حامل بوده و مجدداً به ایران
 وارد میشوند مشروط بر اینکه وجه الضمانه کافی سپرده
 شده باشد و مهلت از دوازده ماه تجاوز نکند

۹ - لکوموتیوها و کالسکه های راه آهن و وسایل
 نقلیه هوایی که بترتیب منظم دائمی در خطوط بین
 ایران و خارجه کار میکنند و همچنین مقدار سوختی که
 جهت راه لازم باشد

۱۰ - لفاظه های متعارفی به استثنای ظروف شبسه
 و لفاظهای نجیبی

۱۱ - قطعات کشتی از قبیل دکل و شراع و لاسکر
 و طناب و سایر متعلقات بجهازاتی که در سواحل ایران
 غرق و یا بجا نشسته اند و همچنین اسباب و لوازم جهازات
 تجارتی ایرانی که در سواحل خارجه غرق گردیده و یا

داشت به اسم قونسول آن مملکت وارد کرد
 در صورتیکه مال خودش بود و میگفت اگر اینها را خوب
 بخرند نفع کلی دارد و این قانون يك طوری است که
 اشخاص میتواند به اسم دیگران يك چیزهایی وارد
 مملکت کنند در صورتیکه مال آنها هم نیست . بنده اولاً
 با استثنای این به این نظر هیچ عقیده ندارم ثانیاً به مدتی
 که تا نه ماه بعد از ورود هم هر چه اینها وارد کنند
 مبتنی باشد از حقوق گمرکی عقیده ندارم و غیلام بچه
 نظر است ؟ خواهند گفت معامله متقابله بدینسانه قونسول
 های ما که میروند غیلام چه دارند که همراه ببرند .
 حتی خوراک آنجا را هم از اینجا باید برد و دست
 خالی به آنجا می رود ولی سایرین میتوانند همه چیز وارد
 کنند به اسم شخصی . این قانون بعقیده بنده به نفع ما
 نیست حالا اگر در اطرافش يك نظریاتی بود و يك
 اصلاحاتی بود يك چیزی بود ولی با این غیر محدود بودن
 و تمدید مدت دادن برای نه ماه و بعضی استثنائات دیگر گمان
 میکنم هیچ نفعی ندارد قابل شدش .

وزیر عدلیه - نماینده محترم در اساس قضیه موافق هستند فقط
 بنده از فرمایشات ایشان يك تکراری استنباط کردم که مبادا يك
 وقت سوء استفاده هایی بشود ولی بنده اطمینان میدهم
 که این تکراری مورد نداشته باشد اولاً آن کسانی که نمایندگی
 دارند از دولتهای خارجی و سمت رسمیت دارند از طرف
 دول دیگر البته نظرشان به آنها نبوده است و گفتند
 شاید اشخاص دیگری به اسم آنها این کار را میکنند
 ولی گمرک البته نظارت خواهد کرد و هیچکس نمیتواند
 به اسم آنها شخصی مال التجاره وارد کنند و تصور
 میکنم بایستی تمام اطراف قضیه را ملاحظه کنیم در عایت
 تراکت هایی که لازم است بشود و از این حیث اطمینان
 داشته باشید و هیچ تکراری نداشته باشید قسمت نه ماه
 هم برای این است که بالاخره شخصی که وارد میشود و
 میخواهد جایجا بشود اسبابش را اغلب با خودش بر
 نمیدارد بیاورد از عقب می آید باید يك مدتی به این
 شخص مهلت داد که در آن مدت بتواند استفاده کند

والا آن شخص باید خودش با بارهایش حرکت کند و
 این عملی نیست این است که تصور میکنم آقایان موافقت
 فرمایند همین شکلی که نوشته شده است بگذرد .
 رئیس - آقای ضیاء
 ضیاء - (خیلی آهسته) عرض کنم بنده با اصل این
 لایحه موافقم ولی این لفظ مستعمل که در قسمت چهارم
 نوشته شده است آقای وزیر عدلیه هم تشریف دارند ...
 بعضی از نمایندگان - بلند تر میشنوم .
 رئیس - (خطاب به آقای ضیاء) تشریف بیاورید
 پشت زبون .

(آقای ضیاء از محل خود حرکت و پشت کرسی نطق آمدند)
 ضیاء - خیلی مختصر میخواهم عرض کنم . در این
 قسمت البته نظر دولت متوجه بوده است که کار گرها
 نجار و آهنگر و اشخاصیکه بخارجه مسافرت میکنند با
 عمداً به خارجه میروند برای اینکه اسباب دستی برای خودشان
 تهیه کنند و بیاورند آنها تا حدی که خودشان در کار خودشان
 استعمال میکنند معاف باشند ولی اینجا در قسمت چهارم
 ذکر کله مستعمل و لفظ مستعمل بعقیده بنده يك قدری
 این منظور را متزلزل میکند . نوشته شده است : آن
 و ابزار مستعمل کار و حرفه که مسافرن برای حرفه
 خود وارد میکنند در صورتیکه لفظ مسافرن برای حرفه
 خود وارد میکنند هست اصلاً کله مستعمل لزومی ندارد
 زیرا ممکن است گفته شود آلات و اسباب مستعمل مراد
 کهنه است یعنی در گمرک گفته شود فلانکس که در هندوستان
 نجار بوده است اسباب و ابزار کهنه اش را دست گرفته
 می آورد در ایران و میخواهد در اینجا هم نجاری کند این
 معاف است . و شاید منظور دولت این بوده است و البته
 همینطور هم بوده است که مردم اسباب دستشان را يك
 قدری عوض کنند و اسباب دست تازه بیاورند و یک قدری
 تسهیلات داشته باشند چون منظور دولت این بود است
 بنده گمان میکنم لفظ مستعمل اینجا زیاد هست و اگر
 برداشته شود منظور دولت و تسهیلات عامه کاملاً فرام
 میشود يك پیشنهادی هم عرض شده است .
 وزیر عدلیه - عرض کنم مقصود دولت در ضمن این ماده

الذی بوده است که کسانی که از خارج می آیند و اهل
 بیرون هستند اسباب کاری که همراه خودشان می آورند
 اسباب کار و حرفه و دخل خودشان که با آن کار میکنند
 از شان مالیات و گمرک گرفته نشود و مخصوصاً مستعمل
 گفته شده است که آن اسبابی که داشته است و با آن
 کار میکنند معاف است الا اگر بنا بود اسباب جدید
 را معاف کنند یعنی اهل حرفه وقتی که اسباب جدیدی
 برای خودش وارد میکند گمرک ندهد این منظور نیست
 چون بموجب تعرفه گمرکی يك کسی که از خارج میاید
 هر چه اسباب داشته باشد او اسبابش هم مستعمل باشد
 باید گمرک بدهد و اینکه اینجا استثناء شده مخصوصاً همان
 اسباب کهنه و مستعمل است که اهل حرفه با خودشان میاورند
 و بنده کاملاً موافق هستم که بایستی سعی کرد اسباب و ابزار
 کار در این مملکت نو بشود ولی این را باید از طریق
 دیگر وارد شد و مخصوصاً باید تفاسی گنذار بین يك
 کسی که در داخله مملکت ما کار میکند یا يك کسی که
 از خارج می آید چون يك کسی که در داخله کار میکند
 وقتی میخواهد اسباب تازه بخرد پول گمرک میدهد
 یعنی گمرک از اسباب او گرفته میشود دیگر دلیلی ندارد
 آن کسی که از خارج می آید با ادوات و اسباب تازه
 مالیات گمرکی ندهد البته اگر اسباب تازه داشته باشد
 باید گمرک بدهد ولی اگر مستعمل بود معاف باشد
 بخوب است آقا هم موافقت فرمایند همین شکلی که
 اینجا نوشته شده است بگذرد و مخصوصاً این کلمه
 مستعمل اینجا باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 دکتر سنک - بنده مخالفم
 رئیس - فرمایند .
 دکتر سنک - يك تبصره در اینجا ذکر شده است
 برای ورود ادویه و اسبابی که متعلق به امور صحتی و
 بهداشتی و غور شدی سرخ است و طوری این را در مضیفه
 گذاشته اند که به فرمایش آقای کازرونی خیلی لغاف دارد
 و بعضی از هم چیز لغاف برایش گذاشته اند خواستم از

آقای مخبر توضیح بخواهم
 رئیس - راجع به کفایات مذاکرات فرمایند
 دکتر سنک - خواستم عرض کنم اگر اجازه داده
 شود توضیحی در این موضوع بدهم
 رئیس - رای گرفته میشود به کفایات مذاکرات
 آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)
 رئیس - نضوب شد . پیشنهاد ها قرائت میشود .
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود تا دو ماه بعد از
 ورود خودشان تا آخر .
 پیشنهاد میکنم در قسمت دوم بیدقها تبدیل شود به
 بیری ها .
 پیشنهاد میدارم فقرات ۵ و ۷ پس از موارد معافی
 حذف شود و در فقره ۸ چاپاریان نیز حذف گردد .
 محمد ولی
 پیشنهاد میکنم در فقره ۲ در قسمت انابیه قسوسولها
 عبارت (که در مدت ۹ ماه اول اقامتشان وارد شود)
 حذف و بجای آن نوشته شود (در موقع ورود و خروج
 از ایران)
 احتشام زاده
 پیشنهاد میشود که کلمه مستعمل در ذیل چهارم حذف
 شود .
 سید ابراهیم ضیاء
 پیشنهاد میشود که بعنوان قسمت ۱۲ به ماده واحده
 علاوه شود :
 ۱۲ اسباب و ابزار و کلیه لوازم مدارس صنعتی
 سید ابراهیم ضیاء
 بنده پیشنهاد میکنم که سینما توگراف از مستثنیات
 ماده چهار حذف شود .
 دیبا
 بنده پیشنهاد میکنم عبارت ذیل اضافه شود ملزومات
 علمی و صنعتی مدارس ایران که تحت نظر وزارت معارف
 خواسته شود از نادیه گمرکی معاف خواهد بود .
 کربا
 پیشنهاد میکنم بعد از قسمت ۱۱ اضافه شود :

۱۲ - چوب و آلات و ابزاریکه برای ساختن کشتی های بادی وارد بندر ایران میشود و همچنین پارچه هائی که بجهت شراع وارد میشود . کازرونی

پیشنهاد میکنم دواجات و اسباب جراحی که برای مرخصخانه های ملی وارد میشود از تادیه کمراک معاف باشد دکتر طاهری

رئیس - رأی گرفته میشود به شور ثانوی آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارید ؟

رئیس الوزراء - کفالت جناب آقای فرزند که معلومات علمی و عملی شان بر همه آقایان معلوم است به وزارت خارجه به عرض حضور همابولی رسید و اجازه فرمودند لهذا به مجلس ایشان را به این سمت معرفی می کنم .

رئیس - خبر اخیر کبسیون قوانین مالییه راجع به واگذاری اراضی به بلدیه ها قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

کبسیون قوانین مالییه در پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم راجع به خبر نمره چهار مذاقه نموده و نظر به اینکه نظارت وزارت مالییه در فروش مبنی بر این نیست که اجازه فروش از طرف آن وزارتخانه لازم باشد بلکه مقصود این است که موضوع فروش به بهترین قیمت انجام و بصرفه تمام شود و همچنین در قسمت تبصره اضافه کردن حریم را لازم میدانند لهذا خبر سابق را نباید می نماید .

رئیس - خبر سابق با اضافاتی که در مجلس قبول شد قرائت میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)

کبسیون قوانین مالییه پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را که در شور اول به مجلس شورای ملی تقدیم نموده بودند تحت شور قرار داده و ماده واحده را به شرح ذیل تنظیم و راپورت آرا تقدیم میدارم

ماده واحده - دولت مجاز است املاک دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دوائر خود لازم نداند با اطلاع وزارت مالییه به بلدیه همان شهر واگذار نماید .

(قرارخانه ها - سربازخانه ها - میدانها - اراضی باغی اراضی دائره - قلمه های محروبه - باغات بیوات - اراضی حریم دار الحکومه ها - قنوات باغی دولتی که ممکن است مورد استفاده شهر ها واقع شود) بلدیه ها هر قدر از عملهای مزبور را برای خیابانهای جدید و مؤسسه های بلدی لازم است نگاهداشته و مابقی را با اطلاع وزارت مالییه به مزایده فروخته و وجه حاصله را منحصر بمصرف تاسیسات عام المنفعه همان محل خواهد رسانید

تبصره - خندق ها و خاک رز و حریم و حصار شهر ها که مورد استفاده نظامی نیست و ناموقع تصویب این قانون بنائی در آن نشده و در تصرف فعلی اشخاص نیست متعلق به بلدیه ها و میتوانند فروخته و بمصرف تاسیسات عام المنفعه رسانند .

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود . (بشرح ذیل قرائت شد)

کاروانسراها و راهدار خانه ها به ماده اول اضافه شود .

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - البته آقایان مستحضرن در موقعیکه باج را گرفته میشد يك مقدار راهدار خانه هائی ساخته شده و این راه دار خانه ها کم کم دارد خراب میشود بنده پیشنهاد کردم که این راهدارخانه ها اضافه شود و بعضی کاروانسراها هم هست که در عرض راهها است و دارد خراب میشود این را هم پیشنهاد کردم اضافه شود مسلم است که اینها لازم است اضافه شود

مخبر - آقای دهستانی توجه فرمودند که این قضیه مربوط به راهها نیست مربوط بشهرها است يك اموال و املاک دولتی که در شهرها باشد به بلدیه ها واگذار شده است ولی بلدیه ها دخالت در راهها و کاروانسراها

و راهدار خانه ها و اینها نمیکند و اگر راجع به اینها اقدامی اقدامی بشود باید در جای دیگر منظور شود .

دهستانی - مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره دوم را پیشنهاد میکنم : اراضی متعلق بدولت که در ماده واحده ذکر شده است و در تاریخ اجرای این قانون بتصرف اشخاص در آمده چنانچه در ازاء این صرف بدولت یا بلدیه حقوق میدادند بعد از این هم آن حق را به بلدیه ها باید بدهند

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این يك موضوعی است که حقیقه بنده خیلی باید شکر کنم که در هر دوره از دوره های مجلس يك قدمهای اساسی هم دولت و هم مجلس برای رفی ملکت بر داشته است و در دوره هفت هم قدمهائی برای بلدیه ها امیدوارم برداریم برای اینکه اساسیات اساسی ما که بمحمدالله خوب شده است بلدیه ها را هم قوت بهمیم که حقیقه دارای شهر های آباد و آبروهند بشویم این است که بنده می بینم هم دولت متوجه است که بلدیه را قوت بدهد و هم مجلس در این مسئله کاملا متوجه است که قدرت و توانائی به بلدیه بدهد که حقیقه آسایش مردم در شهر ها فراهم شود این مسئله کاملا در نظر است که رفاهیت هر شهر بتوسط بلدیه آن است و چون این مسئله کاملا در نظر بنده محزر است و میدانم تمام نماینده های محترم هم در این مسئله جدیت دارند بعرض آقایان مبرسانم که در غالب جاها است (غالب جاها را میگویم که دیدم نه همه جا را) آن جاهائی را که رفتم در این مدتها خندقهائی که در اطراف شهر ها بوده است مردم و اشخاص متفرقه شهر زراعت کرده اند یا خانه ساخته اند یا دکان درست کرده اند - این اشخاصی که در این اراضی تصرف کرده اند در قسم اشخاص هستند يك قسم اشخاص هستند که هیچ تم اعتناء نمی کنند نه به نماینده مالییه نه بلدیه

هیچ اعتناء نمی کنند - يك قسمت هم کسانی هستند که مامور بلدیه و مالیه از آنها چیزی نمیگیرند حالا هم آنرا بنده میدانم که از اینها هم من بعد چیزی نخواهند گرفت (آنها همی که چیزی در دست شان هست) بنده ابتدا عرضی نمایی کردم ولی چون میدانم تبعیض میشود بعضی ها که دارای يك نفوذ هائی در محل هستند بهمان ترتیب سابق که ضبط کرده با اراضی متعلقه بدولت را بکار انداخته اند و چیزی نمیداده اند حالا هم چیزی نمیدهند و کسانی دیگری هم که آن قدرت را نداشته اند و آمده اند در خندق و اطراف خاکریز خندق يك خانه درست کرده اند و يك حقی بدولت میدادند بعد هم يك حقی باید ببلدیه بدهند مثلا در شیراز بنده کاملا میدانم در بعضی جاها در خندق آمده اند و خانه ساخته اند و يك حقی هم به بلدیه میدهند راست است این جا در تبصره این حق را نمی نگرفته است و عبارت تبصره این است که آن نهائمی که در تصرف اشخاص است محل خودش باقیست درست است سلب این حق را نکرده است ولی بنده برای اینکه سوء استفاده از طرفین نشود هم تکلیف مامورین بلدیه و مالیه معلوم باشد و هم تکلیف مردم معلوم باشد پیشنهاد کردم چنانچه قبل از این تاریخ اشخاصی که این اراضی را تصرف کرده اند و حقوق بدولت میدادند امروز هم که منتزع شده است این اراضی از دولت و به بلدیه ها منتقل شده است حالا هم به بلدیه بدهند - حالا اگر آقای مخبر فرمایند که ما نظر به این حقوق نداریم و آن حقوق را باید بکاکان ببلدیه ها بدهند که بنده تبصره پیشنهاد خودم را مسترد میدارم و اگر خبر همینطور بحال اجال باشد که بنده در پیشنهاد خودم اصرار دارم و باید تکلیف مردم معلوم باشد بلدیه و مالیه هم بدانند که چه میکنند حالا قضاوت آن را آقایان است .

مخبر - اینجا همانطور که آقای آقا سید یعقوب اظهار فرمودند ممکن هست دو نظریه باشد . يك قسمت از خندقها و حصارها را آنها را ممکن است يك اشخاصی از

عمل میکند اگر هم حقی نمیداده اند حالا هم نمیدهند آقا سید یعقوب - نظریه بنده تأمین این حق بود حالا که می فرمایند این حق ثابت است از برای بلدیه مسرد می دارم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده (این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم جمله با اطلاع وزارت مالیه حذف شود.

احتشام زاده - در جلسه اخیر هم این پیشنهاد از طرف نماینده محترم آقای افشار تقدیم شد و از طرف اکثریت آقایان نمایندگان محترم قابل توجه شد فلسفه اش هم این است بطوریکه در عمل ملاحظه شده است هر وقت بخواهیم يك كاری را شرط کنیم با موافقت در اداره پیش برود این قضیه يك قدری اشکال برایش فرام میشود و بالاخره عملی هم نمیشود و اصل موضوع ازین می رود مثلاً در موضوع اموال غیر منقولی که به بلدیه واگذار شده است اگر بخواهیم موافقت وزارت مالیه با مامورین وزارت مالیه را هم در فروش آنها جلب کنیم این قضیه اسباب کشمکش بین مامور مالیه و بلدیه با حکومت خواهد شد و بالاخره اسباب تأخیر کار خواهد شد اگر منظور کمیسیون و هیئت دولت این است که بطوریکه در راپورت اخیر هم تذکر داده اند پیشتر رعایت صرفه بشود در فروش بنده عرض میکنم از در حال خارج نیست یا فروش این اموال غیر منقول بتوسط بلدیه های قانونی است یا بتوسط بلدیه های که در تحت نظر وزارت داخله اداره میشود اگر بتوسط بلدیه های قانونی باشد که مطابق قانون بلدیه همیشه در فروش اموالی که متعلق بشهر است باید ملاحظه قانون رعایت مزایده را بنمایند که صرفه بلد منظور بشود بنا براین جای هیچگونه نگرانی نیست و محتاج موافقت و نظارت وزارت مالیه نیست - اگر هم وضعیت وضعیت فعلی باشد یعنی بلدیه ها در تحت نظارت وزارت داخله باشد خوب وزارت داخله هست و بقدر کافی نظارت خواهد

دولتهای وقت با از بلدیه ها گرفته باشند و آنها واگذار شده باشد بدون اینکه حقی هم بدولت بدهند. بعضی اشخاص هم هستند که با اجازه یا بدون اجازه در بعضی نقاط خانه و دکانی ساخته اند و فعلاً سکونت دارند و در تصرفشان هست و هیچ حقی هم نمیدهند. اینجا در این تبصره آنطوریکه نوشته شده: اراضی متعلق بدولت که تا موقع تصویب این قانون بنائی در آن نشده و در تصرف فعلی اشخاصی نیست بلدیه ها واگذار میشود برای این است که متعرض آنها نشوند. حالا چنانچه قبلاً در تصرف اشخاصی بوده و حقی بدولت میداده اند باز همان حق را خواهند داد این را از این جهت نوشتیم که اگر يك همچو ترتیبی باشد و حقوق میداده اند حالا هم بدهند و اگر هم هیچ حقی نمیداده اند این را کمیسیون در نظر داشت که دیگر مزاحمتی نسبت بنها نشود و همانطوریکه چیزی نمیداده اند و حقی برای دولت قائل نبوده اند حالا هم چیزی ندهند و مال خودشان باشد اما اگر يك قسمت هائی باشد که حقوق بدولت میداده اند این جا نظر دولت این است که این حق الارض را مثل بقیه حقوق که دولت در این اراضی داشته به بلدیه واگذار و منتقل نمایند و بلدیه خودش مختار است. ممکن است این حق الارض را بفروشد با مرتب سال بسال بگیرد ولی تبصره که آقا مرقوم فرموده اند این قسمت فروش را ازین سلب کرده است باین جهت بنظر بنده خوب نیست زیرا ممکن است صرفه و صلاح بلدیه و مردم در این باشد که این شخصی که آمده است و بنائی ساخته است حق الارضی هم میدهد يك مرتبه بخرد بلدیه هم راضی باشد بفروشد و پول آرا بمصرف شهر برساند و تبصره آقا این منظور را سلب کرده است و نظر کمیسیون این است که این حق برای بلدیه ها باشد بنا بر این بنده گمان می کنم که محتاج به تبصره آقا نباشد. این جا هم بنده توضیح دادم که نظر دولت این است که هر حقی را که دولت می گرفته است آن حق به بلدیه منتقل بشود و بلدیه مطابق این رأی که مجلس میدهد به ترتیبی که صلاح میداند

کند و این اموال هم مشمول قانون کلی بوده و البته در مورد فروش اموال دولت باید رعایت مزایده را بکنند پس بنده اضافه کردن این کلمه را اسباب اشکال برای مامورین بلدیه و وزارت داخله میدانم و اگر منظور دولت رعایت صرفه و صلاح اموال بلد است با وضعیت فعلی هم رعایت خواهد شد بدون اینکه اسباب رجحان هم بشود این است که بنده پیشنهاد کردم این عبارت حذف شود.

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که يك مراجعه باصل عبارت آقایان هم متقاعد میکند باین که در این پیشنهاد اصرار نکنند چون نمینویسد که با اجازه وزارت مالیه (یا موافقت وزارت مالیه) فقط مینویسد با (اطلاع وزارت مالیه) بزمایده بگذارند و البته تصدیق میفرمایند مزایده يك ترتیب معینی دارد و بایستی اعلان کنند و با شکل مخصوصی مزایده را بعمل آورند و يك مدت معینی هم دارد و بایستی با اطلاع وزارت مالیه برسانند تا در موقع مزایده نماینده وزارت مالیه هم حاضر باشد و با حضور نماینده او مزایده بعمل آید و پاکتها را باز کنند و انتخاب کنند و این در حقیقت يك کنترولی است و بنده یقین دارم آقایان هم هر قدر در يك مسئله مخصوصاً مسئله مالی کنترول بیشتر باشد بیشتر موافقت میفرمایند با اختصاص در صورتی که آن کنترول هیچوقت نتواند صدمه و لطمه به پیشرفت کار بزند و فقط نماینده مالیه آنجا هست. در اینجا بنده تصور می کنم که جای نگرانی نیست اگر نوشته بودند (موافقت) طبیعتاً موافق باعث این میشد که دو اداره دورائی پیدا کنند و تا يك موقعی کار تعطیل بشود ولی اینجا صحبت موافقت نیست گفتگوی اطلاع است که با حضور نماینده مالیه بالاخره این مزایده بعمل آید. آیا بهتر نیست که غیر از بلدیه يك نماینده دیگری هم در آنجا باشد؟ باینکه میل دارد فقط نماینده بلدیه باشد البته منظور دو کنترول باشد بهتر است (جمعی از نمایندگان صحیح است) بلدیه ها را هم بیک نهج نگاه نکنند. بعضی جاها بلدیه ها بقدری ناقص تشکیل شده است که

بنده گمان نمی کنم مصلحت کار این باشد که بلدیه به تنهایی باین کار اقدام نماید و یقین دارم خود آقایان هم این مصلحت را در نظر داشته باشند و موافقت میفرمایند که يك کنترولی بشود نه اینکه فقط چند نفر باسم مزایده بنشینند و بدون کنترولی این منظور را بخواهند انجام بدهند (صحیح است) از طرف دیگر اگر چه این مسئله مجلسی نیست و آقای وزیر مالیه هم نیستند بنده گمان می کنم که اگر خود ایشان بودند می گذاردند حالا يك کاری نکنند که ایشان نیستند رد بشود

(خنده نمایندگان)

احتشام زاده - بسیار خوب بنده پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای ملک مدنی.

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم راهدار خانهای که در حومه شهر واقع است اضافه شود.

ملک مدنی - عرض کنم که در غالب شهر های ایران که راه شوسه بوده است از سابق که مالیات راه معمول بود در جنب شهر ها يك عماراتی از طرف اداره طرق ساخته شده است بعنوان عمارت راهدار خانه که الان هم موجود است. از وقتی که مجلس باج راه را ملغی کرده است این عمارات همینطور بحال مخروبه کی افتاده است و بلا تکلیف مانده است بنده پیشنهاد کردم که این قسمت هم اضافه شود که بلدیه مثل سایر جاهائی که باختیارش گذاشته اند این ها را هم مختار باشد بفروشد و پول آرا بمصرف شهر برساند و گمان میکنم آقای مخبر هم موافقت میفرمایند مخبر - عرض کنم که اگر چه بنده تصور میکنم این قسمت جزو بیونات باشد ولی از نظر اینکه هر چه قانون واضح تر باشد بهتر است بنده قبول می کنم بعد از (بیونات) نوشته شود (راهدار خانهای حومه شهر) وزیر عدلیه - در صورتیکه طرف احتیاج نباشد. رئیس - پیشنهادی هم از آقای باستانی راجع باصلاح عبارتی رسیده است که بجای اراضی باثربه و اراضی دائره نوشته شود (اراضی باثربه و دائره) و از تکرار کلمه.

اراضی صرف نظر نکنیم
نمایندگان - صحیح است

رئیس - بسیار خوب با این اصلاح و افزودن
(حریم) و آن اصلاحی که اخرا آقای ملک مدنی
پیشنهاد کردند و آقای مخبر قبول نمودند رای میگیریم ماده
واحد موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد لایحه ذابیح مطرح است ماده
اول و شور ثانی مطرح است قرائت میشود
(این قسم قرائت شد)

ماده اول - بوزارت مالیه اجازه داده میشود از
تاریخ تصویب این قانون فقط در شهرها و قصبات از
کشتار بز در قران و از کوسفند دوقران و دهشاهی و از
بز سه قران از گاو و کوساله سه قران و دهشاهی و
از گاو میش پنجقران دریافت دارد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا بنده يك پیشنهادی کرده
بودم و در تعقیب پیشنهاد خودم ناچارم باز عریض بخودم
را تکرار کنم یا اینکه اگر در کمیسیون يك نظری را
انتقاد کنند این جواب بنده در این جا در این ماده
داده شود که معلوم بشود. در این جا ماده را بهمان
ترتیب سابق نوشته اند نهایت آمده اند و از برای هرز که
دوربال بود دو قران معین کرده اند و دهشاهی از این
را انداخته اند کردن بز این اصلاحی است که کرده اند
عرض کنم که اساسا بنده در اینجا مکرر عرض کرده ام
باز هم عرض میکنم ما احتیاج داریم که عوائدمان را
زیاد کنیم ولی از يك چائی باید این از زیاد را در نظر
گرفت که بارزاق عمومی فشاری وارد نیارود - ولی در
این ماده این عرض بنده نباید نشده است و مسئله که
فوق العاده بنده بان علاقه مند هستم در این قانون
معین کردن مسلخ ها است همانطور که آروز آقای وزیر
مالیه این جا اظهار کردند قانون پس از گذشتن اجرا
میشود خواه مسلخ درست شده باشد یا نشده باشد بعد

هم وزارت داخله را مکلف کرده اند که برای ترتیب
مسلخ ها بودجه معین نمایند و بتدریج بسازند بنده
استدعایم این بود که این جا مدتهائی است که می فریاد
میزنند که ما طرفدار حفظ الصحه هستیم خیر آقا ما
طرفدار مرض هستیم تا آن لایحه راجع به مسلخها نیاید
و مسلخ ها را معین نکنند که ما يك قدم اساسی برداریم
و يك نمایی بدهد دولت که ما برای حفظ الصحه مردم
يك مسلخهائی در نظر بگیریم و دولت تهیه بکنند عرض
بنده این است که این قانون بعد از قانون تهیه مسلخها
باید - مسئله همان بود که عرض کردم نسبت باینها
هر قدر ما بخواهیم ارفاق بکنیم باز کم است
چرا؟ بچه دلیل؟ مثلاً میگویند چرا بز باید سه
قران بدهد شاید در طهران يك نفر بخت
بر کشته بخواند بز بخورد. خیر آقا اینطور نیست
را همه کس میخورد و در همه جا کشته میشود در ایلات
در دهات در همه جا بز کشته میشود بچه دلیل باید
بز سه قران بدهد؟ چرا؟ باز اگر مثل اول بود يك چیزی
حالا چرا از بز دهشاهی کسر کردید و انداختید کردن
بز؟ میگویند که نخورند بز چه دلیلی دارند؟ نخورند
آقا. زنده باشید آقا این که دلیل نمیشود. آقا چرا زنده
شده اند این هم دلیل است. میگویند نجملیست. اینهم
دلیل نمیشود کسی از برای نجمل بز نمی خورد در طهران
شاید ولی در تمام ایلات و ایلات در تمام ایلات قونشان
بز است. می گویند خوردن مکملین است اگر. نمول
هم باشد بز داشتن تازه دلیل نمیشود چون بقدری بز را
وضع مالیات کرده اند که دیگر نفس ندارد از کلاش.
از عباس. از قباش از همه چیزش اینها که آقا منطق
نمیشود دلیل نمیشود این است عریض بنده و پیشنهاد
هم کرده ام. هیچ دلیلی هم ندیدم که کمیسیون چرا از این
عریض و استدلالی که این جا گفته شد صرف نظر کرد
و بهمان ترتیب سابق رای داد

مخبر - فرمایشی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند
بنظر بنده دو قسمت داشت یکی راجع به ناکس پولی که

بکسان قرار داده سه قران و دهشاهی معین کرده اند و
این متناسبی ندارد بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم که
کوساله را هم باندازه بز قرار بدهند اولاً بیشترین قوت
فقرا است و ثانیاً کوشش که اینقدرها زیاد نیست که
کوساله و گاو بکسان باشد؟ پس خوبست کوساله را هم
مثل بز قرار بدهند و از سه قران و دهشاهی به دوقران
تنزل بدهند و این قیمت زیاد است.

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که اولاً در اینطور
مسائل رعایت کامل تناسب و حفظ ریاضی خیلی مشکل
است ولی اگر آمدیم و خواستیم روی استدلال برویم و
بگوئیم چون کوساله باندازه گاو نیست نبایدست هماف
اندازه مالیات بدهد میخواهیم ببینیم آیا کوساله باندازه
بز است؟ خوب آنوقت بز را چه باید کرد؟ باید این
طور استدلال کرد که بز چرا مالیات کوساله را بدهد؟
حالا در صورتیکه ما بگوئیم کوساله مالیات گاو را بدهد
يك مسئله است. اما بز مالیات کوساله را چه جور
بدهد؟

(خنده نمایندگان)

فیروز آبادی - قیمت بز و کوساله یکی است.
ملک آرمی - ختم جلسه.
رئیس - مذاکرات ماده اول تمام بشود آنوقت
آقای کازرونی.

کازرونی - البته وظیفه بنده این است که در اصل
لایحه از دولت قبول کنم و بنا بر این اظهار مخالفت نسبت
باصول لایحه نمیکند در سایر موادش باز عرض نمیکند بسته
بنظر آقایان است و خودشان میدانند عرض بنده راجع
به بز است و بس. لکن از آقایان استدعا میکنم يك
قدری توجه به عرض بکنند. شخص آقای وزیر محترم مالیه
البته نظر سومی نداشته اند بقیه دارم از روی علاقه
به مملکت است که اصرار دارند بز کشته نشود.
این را درش تردید ندارم ولیکن ایشان نه کله
دارند نه تخصصی در این امر دارند يك نفر آدمی
هستند مثل بنده در این موضوع مخصوص بنا بر این

ممکن است نظر باینکه بنده اطلاعات محلی در این موضوع مخصوص دارم نظرم صالح تر باشد و باین جهت نباید ایشان هم بافتاری بکنند و جامد بشوند در عقیده خودشان شاید حقیقه حق به جانب بنده باشد . حالا بایستی ذیبد راستی این بزم هائی که گفته میشود همان طوریکه نظر آقای وزیر محترم مالیه است اگر کشته نشوند يك استغاده هاي بیشتری درش هست یا خیر ؟ بعقیده بنده اینطور نیست لکن اینجا بایستی يك شرحی عرض کنم برای توجه نمایندگان محترم . پوست های بزم از يك تومان بلکه از پنجقران تا سه تومان منتهای قیمتش است روی هم که بردارید از پنجقران هست الی سه تومان و حالا بکفدري فکر کنیم که اگر این بزم را نکشند فایده اش بیشتر است یا بکشند ؟ البته بایستی این قدر را کرد و این ملاحظه را کرد که اصولاً بزم را بیش از شش ماه نمیشود نگاه داشت یعنی بدرجه کوسفندی که رسید مجبورند بکشندش چرا ؟ بجهت اینکه برای هر چند راس میش بیشتر از شش یا هشت راس قوچ نمیشود نگاه داشت یعنی نمیشود مساوی بامیش کوسفند تر نگاهداشت این مسلم است

احتشام زاده - چرا نمیشود ؟

کازرولی - چرا نمیشود ؟ تشریف ببرید ببینید چرا ؟ این مسلم است و اشخاصیکه مختصر اطلاعی دارند تصور میکنم در این عرض بنده هیچ تردیدی نداشته باشند در صورتیکه در زمان ولادت اولاً بطور تساری میزایند یعنی ز و ماده اش را وقتی حساب بکنید در ایام سال می بینید مساوی است پس زیادیش را چکار باید کرد ؟ آنگاه نگاهش بداریم یا بعد از شش ماه بکشیم یا زمان ولادت بکشیم ؟ کدامش بهتر است ؟ حالا ببینیم که چرا بیش از ششماه نمیشود نگاه داشت ؟ بواسطه اینکه گله دار نمیتواند يك چوپان علیحده و يك محل جدا گانه بجهت کوسفند تنها که ماده هم درش نباشد تهیه بکند . علاوه بر اینکه برایش صرفه و نفعی هم ندارد . بنا بر این با بایستی بعد از تولدش بکشد یا بعد از شش ماه بعد از

ششماه منتهای قیمتش بازده قران است اما اگر زمان ولادش بکشد گلهان میکنم فایده اش بیشتر باشد . يك علت دیگر هم برای کشتن بزم این است که میش غالباً دو تا میزاید و آنکه گله دارد اصولاً بیش از یکیش را نمیتواند نگاه بدارد بواسطه اینکه اگر هر دو اینها بخواد شیر بدهد تا بزرگ شوند از يك طرف از روغن و سایر فوایدش محروم میماند و از طرف دیگر شاید از عهده بر نمی آید برای نگاهداریش . یکی از علل دیگر گاهی میشود که میش ضعیف است اصلاً نمیتواند بآن بجهت خودش شیر بدهد در اینصورت صاحبش مجبور میشود این را ذبح کند و پوستش را بفروشد . البته آفات اطلاع دارند که این گله دارها که هر کدامشان اصولاً ده یا بیست یا سی تا غالباً کوسفند دارند يك محلی دارند و دارای استعداد معینی هستند بجهت نگاهداري بزم و بیش از استعداد خودشان بزم را نمیتوانند نگاه بدارند . از این جهت است که مجبور میشوند آن بزم زیادی یعنی آن اندازه که از مقدار استعدادشان زیادتر است بکشند يك عرض دیگر هم بکنم ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

(خنده نمایندگان)

کازرولی - آقایان اگر کرسنه نان است بنده هم صحبت بزم میدارم . میدانم کرسنه نان است اما صحبت بزم است عیب ندارد بکفدري حوصله بکنید وصف الشئی خودش

یکتفر از نمایندگان - صف الشئی

کازرولی - بزم هائی که برای پوستش میکشند آقایان بهتر از بنده اطلاع دارند که بایستی با موقع ولادش کشت یا بعد از سه روز . اگر بکماه شد یا بیشتر پوستش آن پوستی نیست که برای تجارت بدرد بخورد پس صاحبش اگر او را میکشد البته بجهتی است که مجبور است . مثل این بزم هائی که در بازار است اینها بزم هائی نیست که برای پوستش کشته باشند صاحبش مجبور بوده است از را بکشد . بعلاوه آنگاه يك مطلب دیگر هست که ما باید

بلك مساعی بکنیم بجهت ازدیاد صادرات مان نه این که هر ساعت در تحت يك مسائل فروعی این اصل مسلم واجب الاحترام را از دست بدهیم . مملکت بایستی صادرات داشته باشد . يك نظری بکنید ببینید صادرات از این جهت چقدر است که شما در تحت این عنوان چگو این صادره را هم میخواهید بگیرید !! در هر صورت بنده عطفه ام این است که وزارت مالیه در این موضوع باشقیابا باغد و بایستی بزم آزاد باشد .

یکتفر از نمایندگان - معاف باشد

کازرولی - بله معاف باشد . کاملاً معاف باشد

مخبر - اینجا گمان میکنم آقای کازرونی اساساً اظهار فرمودند و روی اشقیابا يك استدلال فرمودند . اصل این قضیه هیچ موضوع نداشت بجهت اینکه اگر بزم کشتی برای پوست باشد در دهات و ایلات است . اگر بزم کشتی

برای جنبه های دیگری که استدلال فرمودند باشد باز هم در آنجا ها است و این قانون برای شهر است . پس این قسمتهائی که فرمودند هیچکدام ضرورت ندارد نه بزم کشتی در شهر میشود و نه گله داری در شهر میشود که شما اینهمه دلسوزی فرمودید . قسمت شهر خارج از دهات است و بیشتر اینکارها در دهات میشود و اصلاً اینها که فرمودید موضوع ندارد . ولی اساساً این استدلال را هم اگر بخواید موضوع داشته باشد این لایحه مربوط بآن نیست .

رئیس - چون عده زیادی پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود بنا بر این جلسه را ختم میکنیم . جلسه آینده روز پنجشنبه ۱۸ بهمن سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه مذاکرات راجع به لایحه ذابح .

(مجلس تقریباً نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

واگذاری فراولخانه ها و اراضی باثربه و دائره دولتی مورد استفاده شهرها ببلدیه های محل

مصوب ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ شمسی

ماده واحده - دولت مجاز است املاك دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دوائر خود لازم نداند با اطلاع وزارت مالیه ببلدیه همان شهر واگذار نماید :

فراولخانها - سرباز خانها - میدانها - اراضی دائره و باثربه - قلعه های مخروبه - باغات - بیوانات - راهدارخانهای حومه شهر - اراضی حریم دارالحکومه ها - قبوات باثربه دولتی که ممکن است مورد استفاده شهرها واقع شود

بلدیه ها هر قدر از محل های مزبور را برای خیابانهای جدید و مؤسسات بلدی لازمست نگاهداشته و مابقی را با اطلاع وزارت مالیه بزمزاید فروخته و وجه حاصله را منحصرأ بمصرف تأسیسات عام المنفعه همان محل خواهند رسانید تبصره - خندقها و خاکریز و حریم و حصار شهرها که مورد استفاده نظامی نیست و تا موقع تصویب اینقانون بنامی در آن نشده و در تصرف فعلی اشخاص نیست متعلق ببلدیه ها و می توانند فروخته و بمصرف تأسیسات عام المنفعه رسانند

اینقانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه شانزدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفت شمسی بمصوب مجلس رای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر